طلیعه

استقبال روحانی از انتخابات آینده

عبدالله ناصری
فعال سیاسی

انتظار جامعه از رئیس‌جمهور برای تغییر برخی از وزرا از مدتی قبل ایجاد شده بود. نخبگان و بخش‌های دیگر از دولت انتظار داشتند تغییراتی در کابینه به وجود آورد و رئیس‌جمهور می‌توانست زودتر این تغییرات را انجام دهد. به‌هرحال، باید قدردان بود که سرانجام این تغییر در کابینه به وجود آمد. درعین‌حال، با توجه به شرایطی که وجود دارد، کار برای وزیری که بتواند با چارچوب‌های قانونی وزارتخانه‌ها و شعارهای اعتدالگرای دکتر روحانی کار کند، دشوار است. به‌هرحال محافظی که به وزیر ارشاد قبلی و دولت فشار می‌آوردند، همچنان فعال خواهند ماند و کار برای دکتر صالحی‌امیری دشوار خواهد بود. اگر بپذیریم فشارهایی روی جنتی بوده، این فشارها روی مجلس هم خواهد بود و می‌توان گفت جلسه رأی‌اعتماد سختی در انتظار کابینه‌های معرفی‌شده است؛ مگر اینکه رؤسای‌جمهور و مجلس، به توافقی رسیده باشند. به‌هرحال امیدوار بودم اولین تغییر کابینه، آقای جنتی نباشد؛ چراکه این وزارتخانه در حوزه‌های مختلف مسئولیت، کارنامه‌های مقبولی دارد و به نظر می‌رسید کانون‌های قدرت از عملکرد او که منطبق با شعارهای روحانی بود، ناراضی بودند. تاکنون‌که به جریان اصلاحات مربوط است، اصلاح‌طلبان هیچ شعرلی برای روحانی ندارند؛ اما انتقادهای جدی به عملکرد دولت دارند. امیدوار هستیم وزیر معرفی‌شده، بتواند طیف وسیعی از اقشار فرهنگی و هنری را که در مناسبات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار خواهند بود، راضی نگه دارد.

اصلاح‌طلبان برای روحانی هیچ شرطی نخواهند گذاشت، اما دولت بداند عرصه‌های جدی‌تری برای اصلاح ساختار دولت هست، به‌خصوص عرصه‌هایی که مبارزه با فساد اقتصادی را بهتر بتواند کنترل و مدیریت کند و مطالبات مردم را در زمینه معیشت پاسخ‌گو باشد، بنابراین در مجموع دولت باید به این تغییرات سرعت بدهد. مشکل حوزه اطلاع‌رسانی دولت نیز همچنان پابرجاست. دولت به واقعیتی برخورد کرده است که دیگر نمی‌توان آن را کتمان کند. علاوه‌براین، رسانه‌های دولت نیز یله‌یله با این ضعف مواجه شدند. به‌طوری‌که در بین خبرها دیدم خبرگزاری رسمی دولت، در رتبه‌بندی‌های رسمی، رتبه ۲۲ را بیس خبرگزاری‌ها و سایت‌های رسمی کشور دارد. این فاجعه‌ای رسانه‌ای برای دولت است. مسئله دوم هم اینکه فضای رسانه‌ای خوده‌به‌خود، رویکرد اجتماعی و توقع اجتماعی را از دولت بالا برد و دولت احساس خطری جدی کرد. دولت باید از این توهم بیرون آید که باید هر تغییری را در راستای انتخابات انجام دهد. هر برداشتی هم از بیرون شود که این تغییرات انتخاباتی است یا نیست، دولت باید جلوی ضرر را بگیرد. بالاخره تغییر واقعیتی است که هم مردم و هم نخبگان انتظار دارند. دولت باید بدانه برخی اعضای کابینه، ضعیف عمل کنند و برخی مدیران دستگاه‌های وزارتخانه‌ای، مدیران استانی و شهری هم به‌عنوان مدیران در دولت قبلی باقی‌مانده‌اند که معلوم نیست بتوانند وفاداری خود را در انتخابات ۹۶ حفظ کنند. بنابراین این اتفاقی است که باید به دور از وردپایسی دولت انجام دهد. حوزه رسانه‌ای در حوزه دولتی، حوزه پریبیک و پرهزینه‌ای است. بنابراین کسانی که مسئولیت این جایگاه‌ها را می‌گیرند، این راستا مثل سنگخوبی دولت و رایست دفتر رئیس‌جمهوری را قبول می‌کنند، باید کسانی باشند که ضمن هم‌سوبودن با دولت، هزینه‌بردار هم باشند. این خاصیت‌ها به طور کلی در این جایگاه نداریم. انعکاس باید اعتماد عمومی را هم جلب کند؛ چون این رسانه‌ای دولت، سنگخوی دولت و بلندگوی دولت است و صرفا تبیه تبلیغات ندارد. باید اما‌نداری از ناحیه اجتماعی را هم حفظ کند و اگر دولت جایی به ضرر مردم کاری یا خطایی کرد، بتواند این فضای اعتمادی را مدیریت کند که دولت را وادار به یک عکس‌العمل و تصمیم به نفع مردم کند؛ چراکه دولت مدعی است برای مردم کار می‌کند. به‌هرحال رواط‌بعدومی و حوزه رسانه‌ای دو مورد حساست بفهمی رسانه کاری فراتر از کار روابط‌عمومی انجام می‌دهد. حوزه رسانه‌ای این است که علاوه بر اینکه کارهای دولت را مدیریت می‌کند، باید بتواند آنچه را که رخ داده هم تشریح بکند؛ یعنی اینکه تیم رسانه‌ای باید بتواند آنچه را که دولت مدعی است به‌عنوان رویکرد تحویل کابینه داده، برای مردم تشریح کند. البته که این کار هنرپیرداز است و تا الان شاید از سوی تیم رسانه‌ای این هنرپرداخت نشده است. روحانی نمی‌تواند این مسائل را مطرح کند و بنابراین حوزه رسانه‌ای دولت باید تقسیم کار کند و حوزه افکار عمومی را درباره واقعیت‌های دولت قبل بیان کند. اگر متولیان رسانه‌ای دولت تغییر کنند و چند رسانه شناس و مترف به اوضاع هشت سال قبل از ۹۲ منصوب شوند، می‌تواند بخش‌های دیگر رسانه‌ای دولت را هم تحت‌تاثیر قرار دهد و به تغییر و تحول بینجامد. اگر این تغییر انجام شود، قطعا خطوه‌مثبتی رسانه‌ای دولت روی ریل خواهد افتاد و بخشی از آنچه مردم و دولت، نخبگان در حوزه اطلاع‌رسانی انتظار داشته‌اند، اتفاق خواهد افتاد؛ یعنی مردم هم از آنچه در دولت قبلی اتفاق افتاده، خیالشان راحت می‌شود و هم از آنچه این دولت تاکنون انجام داده است، مطلع می‌شوند. به‌هرحال تلاش برای تک‌دوره‌ای‌شدن رسانه‌جمهوری حس روحانی برای جریان تسروی اصولگرا، دلایل مختلفی دارد؛ اما مهم‌ترین آن می‌تواند دوری آنها از منابع ثروت و قدرت باشد و اصولگرایان برای کسب جدید جایگاهی که در هشت سال دولت احمدی‌نژاد داشتند، رقیب روحانی خوب می‌داند توقیفات هسته‌ای که دیپلماسی مدیر محبوب خود برای نظام به ارمغان آورد، خوب مردم را جلب کرده است. همچنین طیف رادیکال اصولگرا با توجه به شکست سختی که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ و انتخابات مجلس شورای اسلامی ۹۴ از اتلاف امید خودرند، می‌خواهند به هر سبک و روشی که شده، روحانی را کنار بزنند و به قدرت برگردند؛ درحالی‌که هم جلال چنگ و هم جریان معتدل و عاقل جناح راست، با وجود برخی کاستی‌های دولت، به‌ویژه در حوزه اقتصاد و سیاست داخلی، همچنان پای حمایت از دولت ایستاده‌اند؛ چراکه دستاورد برجام در عرصه بین‌المللی و ایجاد توازن بین دولت و برخی جمع‌های شبه‌دولتی در بیاست داخلی کوچک از سوی حسن روحانی، دو پیروزی قابل تقدیر و مهم هستند که به‌راحتی نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. حالا با کام بعدی یعنی تغییر سه وزیر، می‌توان گفت دکتر روحانی تلاش دارد با باسبگویی به نیازهای جامعه و افکار عمومی، با هرچه کارآمدترشدن دولت و کابینه، به استقبال انتخابات ریاست‌جمهوری آینده برود.

تغییر وزرا روی سازمان رأی روحانی مؤثر است

احمد شیرزاد در گفت‌وگو با «شرق»

عکس: مهدی حسنی

حامد طیبی

ترمیم کابینه در ابستگاه آخر دولت یازدهم، بحث جدی این روزهای محافل سیاسی است. وزرای آموزش‌وپرورش، ورزش‌وجوانان و فرهنگ‌وارشاد اسلامی استعفا دادند و سه گزینه جدید به بهارستان می‌روند تا بخت خود را در مجلس دهمی بیازمایند که تفاوت‌هایی جدی با مجلس نهم دارد. احمد شیرزاد، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ششم، از اساتید شاخص دانشگاه و از کارشناسان نظام آموزشی کشور است که در حوزه فیزیک، سال‌ها سرپرستی تیم‌های اعزامی کشور به مسابقات خارجی را برعهده داشت. او عضو حزب مشارکت و از جمله فعالان سیاسی شناخته‌شده اصلاح‌طلب به شمار می‌رود. گفت‌وگوی «شرق» با این چهره دانشگاهی و سیاسی را، درباره تغییرات در کابینه روحانی بخوانید.

دو دیدگاه درباره ترمیم کابینه وجود دارد. گروهی با توجه به فشارهای دائمی مخالفان دولت و برخی نهادها با عملکرد کابینه، تغییر وزیر فرهنگ را ناشی از فشارهای بیرونی می‌دانند و عملکرد جنتی را قابل دفاع ارزیابی می‌کنند؛ اما گروه دیگری هم هستند که با توجه به تغییر فضای مجلس و لزوم تحرک در بخش‌هایی از دولت که با قشرهای گسترده مردم در ارتباط است، مانند ورزش و آموزش‌وپرورش، این تصمیم را کاملا بجا می‌دانند؛ چون وزرای انتخابی برای این دو وزارتخانه، گزینه‌های اول رئیس‌جمهور نبودند.

به نظرم می‌آید، اگر قرار به تغییرات در دولت بود، اولویت با وزارت فرهنگ‌وارشاد نبود. بدون رودربایستی باید گفت فشارها مؤثر است؛ اما از اتفاقات چند ماه اخیر، این‌طور استنباط می‌شد که برخی ناهماهنگی‌ها و دلخوری‌ها در این حوزه وجود داشته است و می‌گویند در برخی موارد هم، اختلاف سلیقه‌هایی میان رئیس‌جمهور و وزیر درباره نحوه تعامل آقای جنتی با دستگاه‌های بیرونی بوده است. البته این سخنان بعد از مشخص‌شدن استعفا بود و درخصوص هر وزیر دیگری هم تحت فشار، ممکن بود این‌گونه مسائل همواره به نوعی مطرح می‌شود که شاید هدف این باشد و برکناری نتیجه فشارها بوده است؛ اما نمی‌شود از نظر دور داشت که فشار درباره وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی وجود داشت. درباره آموزش‌وپرورش نیز هم فشار معلمان و هم فشار استیضاح مجلس جدی بود. این سومین‌بار بود که بحث آن مطرح شد. یک‌بار طرح استیضاح رد شد و یک بار هم به‌طور جدی مطرح شد. وقتی بار‌ی از سوم چنین مسئله‌ای طرح می‌شود و با توجه به کسانی که جست‌وگوریخته شنیده می‌شد فراکسیون امید نیز دیده‌گاه مساعدی به ادامه فعالیت وزیر نداشت، یک نفوذ به نظر می‌رسد وزیر ضروری بود. ضعف در آموزش‌وپرورش را امروز نمی‌گویم؛ در همه این سه سال که بیشتر تحلیلگران به ترمیم کابینه در وزارتخانه‌های دیگر تأکید می‌کردند، من سه وضعیت وزارت آموزش‌وپرورش اشاره می‌کردم. آقای قانی عملکرد بسیار محافظه‌کارانه‌ای در این مجموعه بزرگ داشت؛ درحالی‌که فردی مانند آقای جاجایی‌بایی با جسارت زیاد، این بخش را تکان داد که البته اغلب آنان درست نبود؛ اما به‌هرحال به سمت تغییرات رفت. تغییر نظام به ۶-۳-۳ در نظر می‌رسید نتیجه باشد. بیشترین گرفتاری آموزش‌وپرورش نیز تغییر نظام است و امروز حدود ۷۰ درصد مسیر طی شده و به کلاس نهمی‌ها رسیده، جاده‌ای برای اتمام آن نیست؛ اما اگر همزمان با شروع دوره وزارتی، در تصمیم دولت قبل تجدیدنظر می‌شد و تغییر کتاب‌ها در همان مقاطع ابتدایی دولت می‌شد تا بررسی بیشتری صورت بگیرد، قطعا باید اینا تکلیف دولت دوازده‌ساله روشن شود و این نفت، سرحتش نشان داد و تکمیل کابینه پس از حدود چهار ماه از سرش‌دن عمر دولت نهم اتفاق افتاد. اما در پایان سال نخست دو نفر از وزیران و تا پایان عمر این دولت ۱۱ وزیر به وسیله او برکنار شدند. البته این تغییرات جدای از درگشت مرحوم حاج کرمی‌راد، وزیر دولت دادستری، در یک سانحه و موقعی الهام، سنگخوی دولت، برای تصدی این پست بود که در آن مقطع به الیوامنقال دولت مشهور شده بود. علاوه بر آن، تعیین سیدمهدی هاشمی به‌عنوان سرپرست وزارت کشور به مدت سه ماه و نیز در مدیریت‌ها و معاونان این وزارتخانه در همین دوره سه‌ماهه و پس از آن معرفی علی کردان برای وزارتخانه، از دیگر تغییرات در دولت نهم به شمار می‌رود.

تغییر در معاونت‌های وزارت‌جمهوری نیز در کنار این تغییرات به همین شکل وجود داشت به‌گونه‌ای که مصاحبون پارلمانی رئیس‌جمهور در این مدت چندین‌بار عوض شد.

اما آخرین تغییرات دولت نهم سؤالات بسیاری را در اذهان برانگیخت. زیرا فقط چند روز مانده به پایان عمر دولت نهم به‌یکباره خبر آمد محمدحسین صفارهرندی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و غلامحسین محسن‌ارادی از وزارت اطلاعات برکنار شدند و برای این دو وزارتخانه سرپرست معرفی شد.

دولتی که در چهار سال فقط سه وزیر را برای ترمیم جابه‌جا می‌کند، مقایسه‌کردنی با دولتی نیست که غیرمؤدبانه وزرا را عوض می‌کرد و حتی در همان دوره اول به کوفی‌ای تغییر می‌داد که کابینه را یک‌قدمی رای اعتماد مجدد رفت و آن زمان اعضای دلخوری‌ها در بین خود اصولگرایان ایجاد شد؛ اما همان آقایان در انتخابات دور بعد نماءفد پشت سر احمدی‌نژاد رفتند

این اتفاق یک‌بار در عمل نمی‌تواند تصمیم پنج‌ساله بگیرد. قطعا باید اینا تکلیف دولت دوازده‌ساله روشن شود و این دست رئیس‌جمهوری نیست. مردم رای می‌دهند و فرایند رای‌گیری هم مؤثر است. وزیر هرچقدر هم بخواهد شجاعانه فکر کند، نمی‌تواند تصمیم بگیرد و همه‌چیز مربوط به یک سال آینده می‌شود. البته می‌تواند مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها را انجام دهد؛ اما قطعا قدم‌های اجرایی بلندتری نمی‌توان برداشت و این محاسبه عاقلانه‌ای نیست. گزینه‌های معرفی‌شده می‌توانند برنامه پنج‌ساله نیز داشته باشند؛ اما چون چهره باتجربه‌ای هستند، به این نحو عمل نمی‌کنند. آنها می‌توانند درباره برنامه‌های بلندمدت مطالعه کنند و اگر وزارت جدید خواست به همین شکل از برنامه‌ها استفاده می‌کند. اگر آقای روحانی رأی آورد که این‌ناالله همین‌گونه خواهد شد. این آقایان می‌توانند سریعا برنامه‌ها را در دولت آینده پیش ببرند.

آقای روحانی روز یکشنبه به گروهی اشاره کرد که اگر تغییر صورت بگیرد، می‌گویند چرا صورت گرفته و اگر نگیرد هم ایراد می‌گیرند و آن را به لجبازی‌های کودکانه شبیه دانست. چه تضمینی هست که درباره وزرای جدید هم این اتفاق رخ ندهد؟

استدلال رئیس‌جمهوری را می‌پذیرم و باید هم این انتقادات را مطرح کنند؛ اما فراموش نکنیم اپوزیسیون، اپوزیسیون است و باید لب به تایید و تمجید بگشاید.

مسئله موافقان دولت آنها در قبال یک موضوع در دو دولت مختلف است.

دقیقا شاهیت هاجرا همین‌جاست. اگر کسی در موضوع مخالفت با دولت متناقض صحبت کند، باید با کار زورنالیستی این تناقض‌ها را بیان کنیم. سران جناح راست امروز مسائلی را می‌گویند که سال قبل خلاف آن را گفته‌اند. این تناقض‌گویی را می‌توان باف؛ اما اینکه در هر موضعی بیاید از زاویه دید مخالف بحث کند تا اینجا این حق را دارند. اما این‌که چه جناح مخالف باشند و امری طبیعی است، اگر تغییرات سریع باشد، می‌گویند بی‌ثباتی‌شده مدیریت است و اگر تغییرات صورت نگیرد، می‌گویند اینها فسیل شده‌اند؛ اما من فکر می‌کنم آنچه در قضاوت‌ها باید به آن توجه کنیم، این است که کجا ایراد مواضع متناقض دارند. در این مسئله خاص مقداری منتقدان تلاش دارند با سردرگمی حرف خود را بزنند.

آنان از ثبات دفاع می‌کنند یا از تغییر مدیریت؟ استقبال می‌کنند؟ اگر تغییر در چهت خواست آنها اتفاق نیفتد، استقبال نمی‌کنند؛ اما دولتی که در چهار سال فقط سه وزیر را برای ترمیم جابه‌جا می‌کند، مقایسه‌کردنی با دولتی نیست که غیرمؤدبانه وزرا را عوض می‌کرد و حتی در همان دوره اول به کوفی‌ای تغییر می‌داد که کابینه با یک‌قدمی رای اعتماد مجدد رفت و آن زمان عضای دلخوری‌ها در بین خود اصولگرایان ایجاد شد؛ اما همان آقایان در انتخابات دور بعد نماءفد پشت سر کسی رفتند که عملکرد جهارساله او نشان می‌داد چقدر برای کشور خطرناک است؛ اما انگار نه انگار. این تناقض‌ها را باید نشان داد.

اینکه روحانی نگران برخی ناراضایی‌ها در بین کروه‌های هدف کسترده این سه وزارتخانه است و برای همین این سه وزیر را تغییر داده تا جه حد به واقعیت نزدیک است؟

قطعا این بی‌تاثیر نیست؛ به‌ویژه آنهایی که اطلاعاتم دقیق‌تر است؛ یعنی آموزش‌وپرورش را عرض می‌کنم. آقای دکتر نجفی محبوبیت خیلی زیادی در بین معلمان دارد. او وزارتخانه را بسیار قوی اداره کرد.

معاونان توانمندی را با خود همراه کرد و سطح کیفی وزارتخانه را ارتقایی درخور توجه داد. ما در تمام مقاطع تحصیلی کمتر از لیسانس نداشتیم. این در حالی بود که پیش از آن فقر نیروی انسانی داشتیم.

قضا با امروز متفاوت بود که همه سر و دست می‌شکنند با مدارک بالا به آموزش‌وپرورش بیایند. آقای دانش نیز تجربه‌های زیادی در اداره مدارس مفید داشته که یکی از موفق‌ترین مجتمع‌های آموزشی تهران بوده از دیرباز هم در زمینه مسائل آموزش‌وپرورش طرف مشورت دولت‌ها بوده. حتی در دوران اصلاحات در محافل خصوصی‌تر مطرح بود و تجربه‌اش باعث شد قائم‌مقام وزارت علوم شود. شخصیت آرام و متین و روابط عمومی بسیار خوبی دارد هرچند نجفی گزینه ویژه بود اما اگر به هر دلیلی ایشان بناست خدمت کند فکر می‌کنم آقای دانش گزینه خوبی است و به احتمال زیاد می‌تواند موفق عمل کند. ستادهای انتخاباتی را دبیرهای محترم اداره می‌کنند و دانش‌آموزانی که نزدیک به سن رأی هستند، شور ایجاد می‌کنند. به‌هرحال آقای دانش آشنایی هم چهره‌ای باتجربه و توانا هستند و آموزش‌وپرورش را به‌خوبی می‌شناسند. درباره سایر وزارتخانه‌ها نیز شرایط به همین منوال است. اما نمی‌شود گفت تغییرات صرفا با هدف انتخاباتی بوده است.

دکتر صالحی‌امیری دارای سوابق مشخصی در حوزه‌های علمی و دانشگاهی و البته فرهنگی است. به نظر شما ایشان می‌تواند وزارت ارشاد را از زیر بار فشارهایی که وجود دارد خارج کند؟

خاطره‌ای که از دوره‌های قبل به یاد دارم این است که وقتی آقای مهاجرانی وزیر بود، خیلی مورد توجه اهل هنر و فرهنگ بود؛ چراکه خودش آدم سخنور و نویسنده و اهل فرهنگ بود. بسیاری فکر می‌کردند آقای مهاجرانی کنار برود. مشکلاتی ایجاد می‌شود. آقای مسجدجامعی امروز فرد مشهوری هستند، اما آن زمان به‌عنوان مدیر حرفه‌ای ارشادی مطرح بود و شخصیت سیاسی و مشهوری نبود، اما وقتی وزیر شد همان سیاست‌ها را البته با شکل و قالب متفاوتی خیلی مؤثرتر اجرا کرد و حرفه‌ای‌تر و بدون فشارهای دوره مهاجرانی کار را پیش برد. الان هم وقتی وزیری مثل جنتی در موقعیتی قرار می‌گیرد که تضادهای شخصی بروز می‌کند، کار سخت می‌شود؛ درست شبیه وضعیتی که محسن هاشمی در مترو داشت. هرچقدر هم مدیر قوی باشد، وقتی پای کینه‌های شخصی به میان می‌آید دیگر نمی‌تواند اداره کند. دکتر صالحی‌امیری هم چهره مثبتی هستند و انتظار این است که قضا به سمت بهبود برود.

از منظر مجلس، فشار زیادی در دوره نهم روی دولت روحانی احساس شد. اکنون هم نوعی رخوت وجود دارد. با توجه به اتفاقاتی که در انتخاب هیات‌رئیسه و در انتخابات رؤسای کمیسیون‌ها رخ داد، آیا باز هم می‌توان یک رای اعتماد بی‌دردسر را شاهد بود؟

قطعا باید روی مجلس کار شود و دولت نمی‌تواند بگوید کار را می‌سپاریم به آقای لاریجانی و حل می‌شود! دولت باید با تمام قوا به صحنه بیاید، رزومه‌های قوی از وزرا منتشر شود و برنامه‌های خوبی ارائه شود. مجلس شورای‌برقرار نیست. اگر هر رئیس‌جمهوری به حساسیت‌ها واقف باشد و چهره‌های مؤثر فراکسیون‌ها و کمیسیون‌های تأثیرگذار، در جریان مسائل قرار نگیرند، حتما وزیر می‌افتد. خود ما در مجلس ششم با این مسئله مواجه بودیم.

ماجرای وزارت دکتر فرجی‌دانا؟

بله به‌هرحال با ایشان در مجلس به‌خوبی همراهی نشد و ایشان نتوانست رای اعتماد بگیرد.

دغدغه درباره وزارت فرهنگ و ارشاد بسیار جدی است. فکر می‌کنید با جوابدادشده آیا می‌توان از یک سو به مطالبات پاسخ داد و از طرف دیگر بلاک‌چیک نگرانی‌ها نشد؟ وقتی فرزند دبیر شورای نگهبان که در کنار وزیر کشور، از نزدیک‌ترین وزرا به اولیاتران بودند نتوانستند، فرد جدید می‌توانند؟

خیر نباید به این حرف‌ها وزن داد. مسئله علی جنتی یا آیت‌الله جنتی متفاوت است؛ هرچند هر بسری برای پدر احترام قائل است، اما بسیار بعید می‌دانم آقای علی جنتی و سیاست‌ها و برنامه‌های ایشان مورد حمایت آیت‌الله بوده باشد. شاید در بهترین شرایط در خودهای هم اظهارنظر نکردند و این اصل بعضی‌ها به هم ندارد. علی جنتی هم چهره اصولگرا به آن معنای معمول نبود. ایشان به عنوان مدیر حرفه‌ای نزدیک به جریان آقای هاشمی شناخته شده و فکر می‌کنم این‌طور نیست که مثلا شرایط او به لحاظ حمایت نسبی اصولگرایان بهتر از دیگران بوده باشد. البته جنتی که آمد، می‌گفتند به این کار نمی‌خورد و برای وزارت کشور مناسب‌تر است، اما وقتی وزارت ایشان آغاز شد معلوم شد با جهت‌گیری‌های دولت همراه است. اما به‌هرحال وقتی فرد عوض می‌شود یک دوره شش‌ماهه مخالفت‌ها وجهی ندارد. با توجه به اینکه در محافل مذهبی به طور جدی تحرکاتی علیه وزارت ارشاد در جریان بود، تغییر وزیر مؤثر است. آقای صالحی‌امیری هم می‌تواند رویکردهای اعتمادساز داشته باشد و با آیات عظام در قم و شهرهای مذهبی جلساتی گذاشته شود تا آنان بیشتر از وضعیت جامعه خبر داشته باشند.

نقریبا هر سه کزینه دارای عقبه و تبار اصلاح‌طلبی هستند و کاه از چهره‌های تشکیلاتی به شمار می‌روند. این یک کام به جلو به شمار می‌رود؟

بله در مجموع فکر می‌کنم در این حوزه برای اصلاح‌طلبان، یک کام به جلو برداشته شده است.

تاثیر این تغییر در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده، اگر اصولگرایان چهره شاخصی نداشته باشند که ندارند، کاهش آرای رئیس‌جمهور هدف آنان است. به نظر شما این وزرا تاثیرگذار هستند یا همچنان حوزه سیاست خارجی و اقتصاد بیشتر مدنظر مردم قرار دارد؟

درباره آموزش‌وپرورش که توضیح دادم. اما دو وزارتخانه دیگر نیز تأثیر درخورتوجهی دارند. وزارت فرهنگ و ارشاد با طیف گسترده هنرمندان و اهالی قلم و اندیشه سروکار دارد که در جامعه تاثیرگذار هستند و وزارت ورزش هم به همین ترتیب که این رویکرد مثبتی در آسانه انتخابات به شمار می‌رود. اما اگر رئیس‌جمهور با این دیدگاه می‌خواست دست به تغییر وزرا بزند بروز وزارت علوم هم اهمیت حیاتی دارد و نوعی کلاه در دانشگاهیان بعد از استیصاح دکتر فرجی‌دانا وجود دارد. اما مصلحت اجرائی بر مسائل دیگر مقدم است و ما به این تصمیم رئیس‌جمهور اعتماد می‌کنیم.

در حوزه سیاست خارجی به نظر می‌رسد دکتر ظریف به نوعی سلبریتی هستند و بسیار مورد حمایت و این بخش، نقطه قوت دولت یازدهم در انتخابات سال آینده است. اما درباره حوزه اقتصاد با توجه به تغییرنکردن تیم اقتصادی، فکر نمی‌کنید مخالفان دولت همچنان به فعالیت تخریبی ادامه دهند؟

فکر می‌کنم در اقتصاد، قضاوت جامعه آنچنان منفی نباشد که منتقدان اقتصادی می‌گویند. همیشه در هر شرایطی هر دولتی در هرکجای دنیا بر سر کار بیاید، در حوزه اقتصاد در بهترین شرایط، مردم پنج درصد افزایش درآمد را در جیب خود احساس می‌کنند. هیچ مدیر اجرائی را نمی‌توان پیدا کرد که ۵۰ درصد مردم را سنگین‌تر کند و مردم فراموش نکرده‌اند دولتی را که ۲۰ درصد قدرت خرید آنها را کاهش داد و از جیب آنها برداشت کرد. در زمینه اقتصادی همیشه انتقاداتی هست اما همیشه نبوی انصاف هم هست و افراد می‌توانند مشاهده کنند در این سه سال چرخ مجموعه‌های دولتی و صنعتی به حرکت درآمده. زندرکدی دوره احمدی‌نژاد گرفته شده و رشد منفی مثبت‌شده و تورم تا حد زیادی کنترل شده است.

به‌هرحال مجموعه اقتصاد را اگر بدون تعصب بگذارند تا این چند ماه سیری شود، بهتر است چراکه نقاط ضعف برنامه‌ها، کاهش مناسبی به بازار و فعالان اقتصادی نمی‌دهد. می‌توان راهکارهای مثبت اقتصادی را ادامه داد و در جاهایی که نقاط ضعف وجود ندارد، نباید اجازه داد نقاط ضعف بروز کند. مجموعه شرایط دولت و نمره دولت در نگاه جامعه آن‌قدر که بعضی مفسران اقتصادی نزدیک به جناح راست می‌گویند، منفی نیست. جریان راست و اصولگرای تندرو خیلی سعی دارد روی مسائل اقتصادی علیه دولت تبلیغات کند اما مجموعه دولت در این بخش چندان وضع نامناسبی در افکار عمومی ندارد.

نگاه

برجام در صادرات

مجید سلیمی‌پروچنی
کارشناس اقتصادی

با حل‌وفصل موضوع هسته‌ای و توافق ایران با شش قدرت جهانی، بخشی از سردرگمی‌ها در مسیر حرکت اقتصاد کشور رفع شد؛ اکنون پرسش اصلی این است که رویکرد مناسب سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران برای بهره‌برداری از این فضای جدید چه باید باشد؟ برخی از کارشناسان در پاسخ به این سؤال بر گسترش تولید کالاهای با ارزش افزوده و توسعه صادرات این کالاها تأکید می‌کنند. این روزها بیش از گذشته درباره نفتی و انرژی‌زدی صادرات غیرنفتی و عایدات ارزی حاصل از آن در اقتصاد کلان کشور، بحث و بررسی می‌شود؛ البته ارزیابی‌ها حاکی از این است که دولت نیز بر این موضوع تأکید می‌کند و توسعه صادرات غیرنفتی را رویکرد اصلی خود در پساتحریم بیان کرده است.

به اعتقاد دولتمردان، توسعه صادرات غیرنفتی می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل برای برون‌رفت از شرایط رکود باشد، چراکه ورود درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی به چرخه اقتصاد کشور، می‌تواند نفتی‌زدگی را در روندبخشیدن به تولید و فضای اقتصادی کشور داشته باشد. توسعه صادرات با آنچه در ادبیات اقتصادی از آن به‌عنوان استراتژی صنعتی‌شدن مبتنی‌بر صادرات یا رشد مبتنی‌بر صادرات نام برده می‌شود، نوعی سیاست اقتصادی و تجاری است که هدف آن سرعت‌دادن به فرایند صنعتی‌شدن یک کشور از طریق صادرات کالاهایی است که در آن مزیت نسبی وجود دارد. کارشناسان معتقدند کشورهایی که در اجرای این سیاست موفق عمل کرده‌اند، یک‌سری الزامات و اصول اصلی را رعایت کرده‌اند.

تقویت تولید رقابتی در داخل و حمایت‌نکردن غیراصولی از یک صنعت برای مدت‌زمان نامعلوم، سیاست‌گذاری ارزی برای توسعه تولید و صادرات، حمایت از بخش‌های تولیدی صادراتی، حمایت از انتقال تکنولوژی و بومی‌سازی فعالیت‌های دانش‌بنیان و... از جمله این اصول است.

محور اصلی این الزامات تقویت تولید رقابت‌پذیر است. چراکه فقط کالاهایی در سازار پررقابت جهانی ماندگار خواهند بود که رقابت‌پذیر باشند؛ اما نکاهی به شرایط فعلی کشور و الزامات موفقیت سیاست توسعه صادرات نشان می‌دهد اقتصاد ایران در شرایط فعلی چالش‌های زیادی در این زمینه دارد؛ بنابراین انجام اقدامات اصلاحی گسترده اجتناب‌ناپذیر است. یکی از مهم‌ترین موضوعات محدودکننده در بخش صادرات، نرخ ارز است؛ البته درحال‌حاضر فعالان اقتصادی به‌دنبال تک‌نرخی‌شدن آن هستند. چراکه ارز چندنرخی یکی از عوامل فساد است و می‌تواند به صادرات غیرنفتی کشور آسیب برساند؛ اما نکه‌داشتن نرخ ارز دور از قیمت‌های واقعی و به‌نوعی سرکوب آن که بنا به مصالح دیگر، اتفاق افتاده است و رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی کشور در بازارهای جهانی می‌کاهد، چراکه با وجود تلاش دولت برای کاهش نرخ تورم، بازارهای جهانی به‌هیچ‌وجه چنین رشد قیمتی را ندیده بودند؛ یعنی به‌طور متوسط هزینه و قیمت تمام‌شده در کشور حدود ۹ درصد در سال افزایش پیدا کرده. درحالی‌که نرخ ارز به این میزان افزایش پیدا نکرده است. در شرایط فعلی، نه‌تنها نرخ ارز واقعی نیست، بلکه متناسب با شرایط اقتصادی کشور و نرخ برابری با شرکای تجاری، تعدیل و اصلاح نمی‌شود. سیاست محدودکننده دیگر، مسئله صندوق‌های ضمانت صادرات است که به حمایت بیشتر و پررنگ‌تر در حمایت از صادرکنندگان به‌ویژه صادرات خدماتی فنی و مهندسی به‌ویژه در کشورهای همسایه نیازمند است.

درحال‌حاضر تنوری جوان، متخصص و تحصیل‌کرده بسیاری در کشور وجود دارد؛ بنابراین می‌توانیم در شرایطی برابر در بسیاری از پروژه‌های فنی و عمرانی منطقه رشد داشته باشیم؛ اما برای موفق‌شدن در این کار، وجود بلاد حمایت سیاسی، صنعاتی و پشتیبانی‌های مالی داشته باشد که معمولا این حمایت‌ها از طریق صندوق‌های ضمانت صادرات انجام می‌دهد. در نتیجه یه تلاش‌های عملی بیشتری نیاز است، برای نمونه بخش خصوصی خواهان حضور گروپ رایزن‌های بازرگانی در کشورهای طرف معامله با ایران است، وجود رایزن‌های قدرتمند، می‌تواند به پیشبرد اوضاع کمک‌های بسیاری کند. متاسفانه وجود برخی عوارض و مالیات‌ها، هزینه تمام‌شده کالا را برای صادرات بالا برده و ما در رقابت با کشورهای تجاری است که هدف آن سرعت‌دادن به فرایند صنعتی‌شدن یک کشور از طریق صادرات کالاهایی است که در آن مزیت نسبی وجود دارد. کارشناسان معتقدند کشورهایی که در اجرای این سیاست موفق عمل کرده‌اند، یک‌سری الزامات و اصول اصلی را رعایت کرده‌اند.

تقویت تولید رقابتی در داخل و حمایت‌نکردن غیراصولی از یک صنعت برای مدت‌زمان نامعلوم، سیاست‌گذاری ارزی برای توسعه تولید و صادرات، حمایت از بخش‌های تولیدی صادراتی، حمایت از انتقال تکنولوژی و بومی‌سازی فعالیت‌های دانش‌بنیان و... از جمله این اصول است.

نکته مهم در انتقال سیاسی‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. اگر صنایعی که نیازمند سرمایه‌گذاری هستند در مذاکرات سیاسی و در قالب مجامع سیاسی اعزامی از سوی دولت، به طرف‌های خارجی معرفی شوند، به این معناست که اگر یک امتیاز می‌دهیم، امتیاز دیگری برای واحدهای تولیدی کشور دریافت کنیم.

صنایع متعددی وجود دارند که کماکان نیازمند حمایت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند؛ بنابراین علاوه بر جذب سرمایه‌های خارجی، به دانش فنی لازم هم نیاز دارند تا کالاهایی با قیمت تمام‌شده پایین‌تر و کیفیت بالاتر تولید و روانه بازارهای صادراتی کنند. متاسفانه قوانین صادراتی کشور با استانداردهای دنیا فاصله زیادی دارد. تجربه نشان داده مقررات و متشوق‌های روی کاغذ دردی را دوا نخواهد کرد و دولت با یک استراتژی مشخص و هدفمند و اجرائی‌شدن برای توسعه صادرات غیرنفتی است که می‌تواند موفق شود.

دولت روحانی بیشترین اصرار را در تثبی